

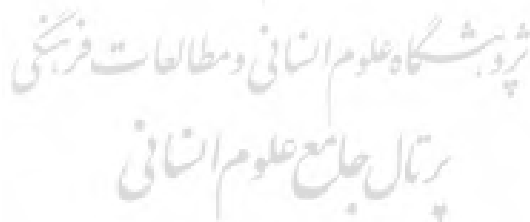
عوامل اثرگذار بر رویکرد امنیتی در آمایش نواحی مرزی استان کردستان*

یاشار ذکی¹، رسول افضلی²، اسکندر مرادی³، کمال رنجبری⁴

چکیده

مرز یکی از پارامترهای حساس و راهبردی در حیات سیاسی، امنیتی، اقتصادی و توسعه یک کشور است و مانند ویتربین برای کشور عمل می‌کند. مرزها با توجه به ماهیتی که دارند محل جریان کالا، اندیشه، تهدید و فرصت و محل ارتباط با جهان بیرون هستند. با توجه به اهمیت مرز آمایش نواحی مرزی در راستای توسعه و امنیت همواره یکی از دغدغه‌های مهم در هر کشوری محسوب می‌شود. مرزهای خاورمیانه به‌طور کلی و کشور ایران به‌طور خاص با توجه به بافت قومی - مذهبی و رقابت بین قدرت‌ها در منطقه همواره محل درگیری، کشمکش و مشکلات امنیتی بوده‌اند. مرزهای استان کردستان به‌عنوان بخشی از مرزهای بین‌المللی ایران نیز بخشی از این پازل محسوب می‌شود. در نواحی مرزی استان کردستان کردهای سنی‌مذهب زندگی می‌کنند و با آن‌سوی مرز دارای فرهنگ، زبان و نژاد مشترک هستند که این وضعیت اهمیت نواحی مرزی استان کردستان را نشان می‌دهد. در نواحی مرزی استان کردستان شاهد تقدم امنیت نسبت به توسعه در آمایش نواحی مرزی هستیم. این پژوهش از نوع کاربردی و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای - اینترنتی به جمع‌آوری داده‌های مورد بحث پرداخته است و عوامل اثرگذار بر رویکرد امنیتی در آمایش نواحی مرزی استان کردستان را با استفاده از داده‌های موجود تبیین کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عوامل فرهنگی، سیاسی، ژئواکونومی و ژئواستراتژیکی بر رویکرد امنیتی در آمایش نواحی مرزی استان کردستان تأثیر داشته است.

کلیدواژه: مرز، نواحی مرزی، استان کردستان، آمایش سرزمین.



1. استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، نویسنده مسئول: [E-mail: yzaki@ut.ac.ir](mailto:yzaki@ut.ac.ir)

2. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی - دانشگاه تهران

3. استادیار جغرافیای سیاسی - دانشگاه پیام نور

4. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی - دانشگاه تهران

*مقاله حاضر مستخرج از پایان‌نامه کمال رنجبری در مقطع کارشناسی ارشد در رشته جغرافیای سیاسی است.

مقدمه

مرز یکی از پارامترهای حساس و راهبردی در حیات سیاسی، امنیتی، اقتصادی و توسعه یک کشور است و به مانند ویرترین یک کشور در برابر تهدیدها و فرصت‌ها عمل می‌کند. مرزها با توجه به ماهیتی که دارند محل جریان کالا، انسان، اندیشه، و محل ارتباط با جهان بیرون هستند. آمایش و مدیریت نواحی مرزی در راستای توسعه و امنیت همواره یکی از دغدغه‌های مهم در هر کشوری است. مرزهای خاورمیانه به‌طور کلی و کشور ایران به‌طور خاص با توجه به بافت قومی مذهبی، تأثیر استعمار و رقابت بین قدرت‌ها در منطقه همواره محل درگیری‌ها، کشمکش‌ها و مشکلات امنیتی بوده است و حیات سیاسی کشورها را با تهدید مواجه کرده است که نمونه بارز آن جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، عراق و کویت، اعراب و اسرائیل و نظایر آن بوده است. کشور ایران دارای ویژگی‌ها و خصایصی است که آن را در کانون فرصت‌ها، تهدیدها، ضعف‌ها و قوت‌ها قرار داده است. از یکسو دارای موقعیت راهبردی در ارتباطات، نقل و انتقال و ترانزیت جهانی است و از سوی دیگر در منطقه بحرانی خاورمیانه با همسایگان بی‌ثبات از لحاظ سیاسی، امنیتی و دفاعی و حتی سرزمینی قرار دارد که هر آن احتمال انتشار این بحران‌ها به داخل ایران وجود دارد. از یک‌طرف کشور ایران از منابع و ذخایر عظیمی برخوردار است و دارای نیروی انسانی قابل اتکا در توسعه بوده و جامعه‌ای نسبتاً توسعه‌یافته به لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و غیره (نسبت به کشورهای خاورمیانه و حتی جهان سوم) دارد و از طرف دیگر دارای اقلیمی شکننده، منابع آب نامناسب و به تبع آن پراکنش نامناسب جمعیت، و برخی تضادهای قومی - مذهبی در نواحی مرزی با نواحی مرکزی است که حس واگرایی را تقویت می‌کند. محیط پیرامونی ایران و اکثر کشورهای همسایه ایران دارای مشکلات امنیتی و خلأ قدرت هستند که نواحی مرزی ایران را باردار برای چالش و کشمکش بیشتر می‌کند. ایران در منطقه حساس خاورمیانه دارای اقوام و مذاهب متعددی در پیکره سرزمینی خود است که بیشتر این اقوام و مذاهب در نواحی مرزی قرار گرفته‌اند و اکثر آن‌ها در آن‌سوی مرز نیز دارای گستره جغرافیایی هستند و این وضعیت موجب شده است که ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای با کشمکش و تهدیدات گسترده امنیتی در نواحی مرزی در طول تاریخ روبه‌رو باشد و امروزه با توجه به وضعیت جدید سیاسی و ژئوپلیتیکی و رقابت قدرت‌ها در منطقه شاهد به وجود آمدن تهدیدات گسترده‌ای در نواحی مرزی ایران هستیم که باعث رویکرد امنیتی در آمایش نواحی مرزی شده است. نواحی مرزی استان کردستان نیز با توجه به دارا بودن تمام فاکتورهای آسیب‌زا جزئی از این پازل محسوب می‌شود و در این نواحی نیز مانند اکثر نواحی مرزی کشور رویکرد امنیتی و تقدم امنیت بر توسعه حکمفرما است. این تحقیق درصدد پاسخگویی به این سؤال است که عوامل اثرگذار بر رویکرد امنیتی در آمایش نواحی مرزی استان کردستان کدامند؟ تا با شناسایی این عوامل و مدیریت آنها به سمت امنیت و توسعه پایدار در مناطق مرزی استان کردستان گامی برداشته شود.

چارچوب مفهومی

مرز، نواحی مرزی

انسان برای مشخص ساختن پیرامون فعالیت خود، آن‌گونه که با گستره فعالیت همسایه تداخل پیدا نکند، ناچار به تعیین خطوطی قراردادی در بخش پایانی و پیرامونی محیط‌زیست یا قلمرو خود است. گونه گسترش‌یافته این مفهوم، خط پیرامونی است که بخش پایانی گستره فعالیت یک ملت را مشخص می‌سازد و جنبه‌ای سیاسی پیدا می‌کند که مرز خوانده می‌شود (پرووری و رکن‌الدین افتخاری، 1393: 14). مرز به دو مفهوم عینی (مانند مرزهای رسمی کشورها) و یا ذهنی (مانند مرزهای عقیدتی) به کار می‌رود. همچنین می‌تواند باز، بسته یا ضعیف و یا قوی باشد (Buchanan, 1998; Hansen, 1978; Jones and Wild, 1994). مرز با واژه‌ها و مفاهیم زیادی شناخته شده

است. مفهوم اصلی مرز در مقابل واژه **Border** به معنی مرز سیاسی و رسمی است. واژه **Boundary** معنی حدود و محدوده را می‌رساند. واژه **Frontier** به معنای جبهه و مرز مقابله و مواجهه نشانگر شرایط ستیز و جنگ در مرزهای کشورها است (عندلیب و مطوف، 1388: 62). این نواحی به دلیل وجود مبادلات و پیوندهای فضایی در دو سوی مرز و آسیب‌پذیری و تهدیدات مختلف، اهمیت ویژه‌ای در فرآیند برنامه‌ریزی، توسعه و امنیت دارند. در نواحی مرزی چون قدرت دولت وجود دارد، پیشرفت در این نواحی معمولاً از طریق اعمال برنامه‌هایی صورت می‌گیرد که از قبل طرح‌ریزی شده و مورد پشتیبانی دولت است (پروری و رکن‌الدین افتخاری، 1393: 15). نواحی مرزی، دورترین نواحی پیرامونی از نواحی مرکزی می‌باشند و علاوه بر ویژگی دوری از مرکز، دارای ویژگی‌های خاص نواحی مرزی می‌باشند که در مجموع باعث تشدید گسستگی فضایی و در نتیجه توسعه‌نیافتگی آن‌ها می‌شوند.

آمایش و آمایش نواحی مرزی

معنی لغوی آمایش در زبان فرانسه **Amonegemant** معادل **Management** در زبان انگلیسی است. بنابراین معنی آمایش، «مدیریت سرزمین» است. در واقع، آمایش یک نوع برنامه‌ریزی برای توسعه است و صرف‌نظر از توسعه و ارائه هر نوع تعریف و برداشتی از آن نمی‌توان از آمایش صحبت به میان آورد. در زیر مهم‌ترین تعاریف آمایش سرزمین آورده شده است: برنامه‌ریزی و سازمان‌دادن انسان، فضا و فعالیت تنظیم روابط بین انسان، سرزمین و فعالیت‌های انسان به منظور بهره‌برداری درخور و پایدار از جمیع امکانات انسانی و فضایی سرزمین در جهت بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماعی در طول زمان. سازمان‌دهی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط‌زیستی به منظور تحقق آینده‌ای مطلوب (1992 تا 1998 در فرانسه). نظارت بر عمران، حفاظت فضا یا سرزمین (توفیق، 1384: 22). فرآیندی است که زیندگی هر نوع استفاده‌ای را برای هر بخشی از سرزمین با توجه به فعالیت‌های آن نشان می‌دهد.

آمایش نواحی مرزی، نوعی برنامه‌ریزی است که توسعه را با امنیت و دفاع از نیازهای نواحی مرزی در چارچوب شرایطی که نواحی مرزی دارند به یکدیگر پیوند می‌دهد و راهکاری برای توسعه این نواحی معرفی می‌کند که در آن امنیت و توسعه لازم و ملزوم یکدیگر می‌شود (عندلیب و مطوف، 1388: 62). بنابراین، اگر چه آمایش نواحی مرزی یک نوع فن برنامه‌ریزی است، اما خود بر پایه‌های نظری و متدولوژی علمی خاصی متکی است که ضمن تحلیل و تفسیر شرایط و ویژگی‌های نواحی مرزی، موانع توسعه و یا امنیت را توأمان در نظر گرفته و برای آن‌ها راه‌حل‌های یکپارچه‌ای ارائه می‌دهد تا اهداف توسعه و امنیت در نواحی مرزی را بر یکدیگر منطبق سازد. لذا می‌توان «آمایش» را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی - فضایی و «آمایش نواحی مرزی» را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی در فضاهای مرزی کشورها دانست (عزتی و همکاران، 1390: 185). نواحی مرزی به نسبت نواحی مرکزی به تبع از الگوی نظام سیاسی موجود به صورت مرکز - پیرامون می‌باشند. نواحی مرزی به دلیل شرایط جغرافیایی و سیاسی حاکم بر آن‌ها، ویژگی‌های خاصی دارند که تأثیرات مستقیمی بر روند توسعه آن‌ها دارد؛ چنانچه این ویژگی‌ها مورد توجه قرار نگیرند، تأثیراتی منفی بر روند توسعه و امنیت این نواحی می‌گذارند و به‌عنوان تهدیدی در برابر توسعه و آمایش آن عمل خواهند کرد. این ویژگی‌ها عبارتند از: دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی، ناپایداری سکونت و جابجایی مداوم جمعیت، تبادل‌های غیرقانونی مرزی، تفاوت‌های فرهنگی قومی و مذهبی با نواحی داخلی کشور، ضدیت سیستمی، تهدیدات خارجی (عندلیب و مطوف، 1388). از نظر ساختار فضایی نیز، این نواحی علاوه بر ویژگی دوری از مرکز، دارای ویژگی‌های کالبدی خاص نواحی مرزی می‌باشند که در مجموع باعث تشدید گسستگی فضایی و در نتیجه توسعه‌نیافتگی آن‌ها می‌شوند و بدین رو هر گونه ساختار فضایی در سطوح و مقیاس‌های مختلف به‌ویژه در ارتباط بین فضاهای مرزی و دیگر نواحی، مستلزم برخورداری از پدیده‌ای به نام مرکزیت است (احمدی و دادجو، 1391: 64).

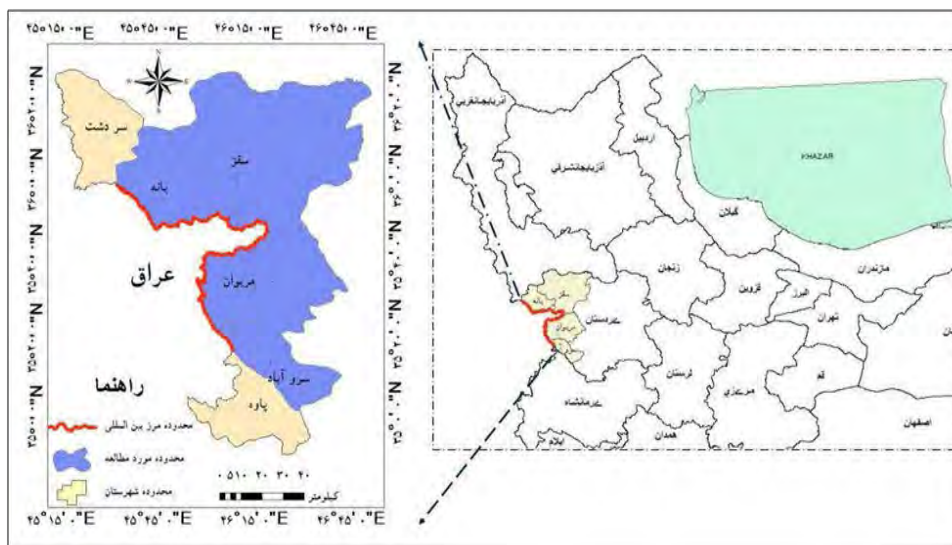
مبانی نظری

نواحی مرزی به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی و انسانی از اهمیت والایی برخوردار هستند. نوع نگاه حاکمان به این نواحی متفاوت هست، در برنامه‌ریزی‌های راهبردی آمایش سرزمین نسبت به این نواحی نگاه‌های متفاوتی وجود دارد. به‌طور کلی چهار دیدگاه کلان بر این قضیه حکمفرماست که عبارتند از: تقدّم امنیت بر توسعه، تقدّم توسعه بر امنیت، رابطه متقابل توسعه و امنیت، گسستگی و جدا بودن توسعه و امنیت از یکدیگر. در ادامه با توجه به ماهیت پژوهش دیدگاه اول که مرتبط با تحقیق است، به‌طور اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد

تقدّم امنیت بر توسعه: طرفداران این مدل از آمایش سرزمین، عموماً کسانی را شامل می‌شود که دغدغه‌های امنیتی دارند، به‌عبارت دیگر این گروه معتقدند مادامی که امنیت در یک ناحیه حکمفرما نباشد، توسعه اتفاق نمی‌افتد، بنابراین اصل مسلم را تثبیت امنیت با هر مکانیسمی (حتی قهری و پلیسی) می‌دانند. از نظر این گروه فکری توسعه اتفاق نمی‌افتد، مگر اینکه امنیت حکمفرما باشد، این طیف فکری معتقدند نواحی مرزی به دلیل اهمیت راهبردی ابتدا باید امنیت‌شان تأمین شود و سپس در لوای این امنیت و آرامش است که توسعه پیدا خواهند کرد. از نگاه اولویت‌بندی برخی از نظریه‌پردازان این گروه اعتقادی به توسعه ندارند و صرفاً درصدد تأمین امنیت این نواحی هستند، اینان استدلال می‌کنند مرزها، لبه‌های بیرونی کشورند و صرفاً باید امنیت‌شان را تأمین کرد که مرزنشینان با خیال آسوده به آرامش رسیده و سپس توسعه یابند. طرفداران نظریه اول بیشتر طیف‌های سیاسی امنیتی هستند. این گروه به دلیل اطلاع دقیق از وجود بحران‌های امنیتی نگرانی‌های ویژه‌ای دارند، این طیف فکری حتی توسعه را با نگاه تردیدآمیز و در جهت خدمت به گروه مخالف در این نواحی معرفی می‌کنند. نکته این است که در بین طرفداران این نظریه، بخشی به امنیت و سپس توسعه معتقدند. به‌عبارتی آنها معتقدند در بستر تأمین امنیت به‌طور خودکار توسعه شکل خواهد گرفت. با توجه به چهار مدل آمایش سرزمین در نواحی مرزی، مدل آمایشی در استان کردستان «تقدّم امنیت بر توسعه» بوده است.

محیط‌شناسی تحقیق

استان کردستان یکی از استان‌های مرزی ایران است که بین 34 درجه و 44 دقیقه تا 36 درجه و 30 دقیقه عرض شمالی و 45 درجه و 31 دقیقه تا 48 درجه و 16 دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد. مرکز این استان، شهر سنندج و مساحت استان 29137 کیلومتر مربع معادل 1,7% مساحت کل کشور ایران است و از نظر وسعت رتبه 16 را در کشور دارا هست (استانداری استان کردستان: 1396). این استان که در دامنه‌ها و دشت‌های پراکنده سلسله جبال زاگرس میانی قرار گرفته است از شمال به استان‌های آذربایجان غربی و زنجان، از شرق به همدان و زنجان، از جنوب به استان کرمانشاه و از غرب به اقلیم کردستان عراق محدود است. همان‌طور که در نقشه شماره (1) و جدول شماره (1) نشان داده شده است؛ استان کردستان با کشور عراق حدود 230 کیلومتر مرز مشترک دارد که شهرستان‌های مرزی آن شامل شهرستان‌های بانه، مریوان، و قسمت‌هایی از سقز و سروآباد است. مردم نواحی مرزی استان کردستان با زبان کردی تکلم می‌کنند و از نظر مذهبی پیروان سنی‌مذهب امام شافعی هستند. با توجه به این‌که تأثیرات ناشی از مؤلفه‌های مرز و رویکرد امنیتی در آمایش و سازمان‌دهی مرز روی گستره زیادی از مردم نواحی مرزی اعم از شهری و روستایی تأثیر می‌گذارد، محیط پژوهش شهرستان‌های مرزی در نظر گرفته شده است.



نقشه ۱: محدوده مورد مطالعه

ترسیم از: (نگارندگان، ۱۳۹۸)

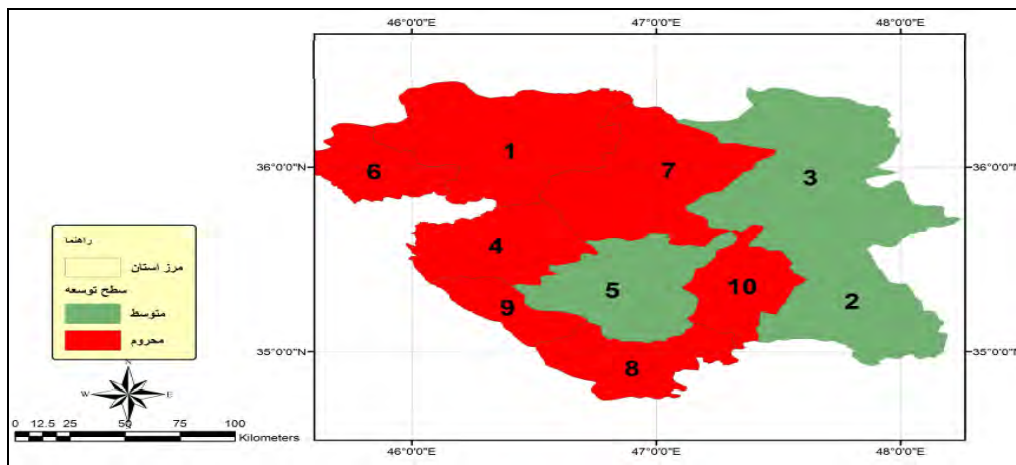
جدول ۱: آمار شهرستان‌های مرزی استان کردستان

محدوده	مساحت	طول مرز	بخش	آبادی	جمعیت روستایی	جمعیت شهری	جمعیت کل
مریوان	۲۳۰۸,۰۴	۹۰,۷۹	۳	۱۵۳	۴۴۰۷۴	۱۵۱۱۸۸	۱۹۵۲۶۳
بانه	۱۵۶۱,۵۶	۷۷,۶۸	۴	۱۹۴	۴۳۳۶۵	۱۱۵۳۲۵	۱۵۸۶۹۰
سقز	۴۴۶۹,۶۳	۳۰,۲۸	۳	۲۷۴	۵۸۰۹۲	۱۶۸۳۵۹	۲۲۶۴۵۱
سروآباد	۱۰۵۵,۴	۱۳,۲۸	۲	۷۶	۳۶۶۴۳	۸۲۹۷	۴۴۹۴۰
کل	۹۳۹۴,۶	۲۱۲,۰۱	۱۲	۶۹۷	۱۸۲۱۷۴	۴۴۳۱۶۹	۶۲۵۳۳

منبع: (وزارت کشور و مرکز آمار ایران)

شاخص‌های توسعه در استان کردستان

بررسی و تحلیل تفاوت‌های فضایی، چگونگی پراکندگی و تغییر و تحول شاخص‌های توسعه‌یافتگی در سطح نواحی به‌منظور تعادل و توازن‌بخشی یکی از کارهای مهم برنامه‌ریزی‌های فضایی است. توجه به رهیافت توسعه‌ی موزون ناحیه‌ای، کاهش ناهمگونی و نابرابری‌های ناحیه‌ای یکی از فعالیت‌های برنامه‌ریزان ناحیه‌ای و آمایش سرزمین است. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای برای تحقق هدف‌هایی که برحسب ویژگی‌های ساختاری، امکانات و محدودیت‌های هر ناحیه شکل می‌گیرد، مستلزم شناخت خصوصیات هر ناحیه با توجه به جایگاه آن در کل سیستم ناحیه‌ای است. با توجه به این موضوع توسعه‌یافتگی رابطه‌ی مستقیمی با عدالت اجتماعی و توزیع فضایی متعادل خدمات در سطح نواحی دارد. در استان کردستان بخصوص در شهرستان‌های مرزی معیار آموزشی، فرهنگی - اجتماعی، بهداشتی - درمانی، اقتصادی و کالبدی - زیربنایی و غیره در سطح نامطلوبی قرار دارد. به‌طوری‌که شهرستان‌های مرزی سقز، بانه، سروآباد و مریوان در سطح توسعه‌نیافته قرار دارند.



نقشه ۲: توسعه انسانی در شهرستان‌های استان کردستان

منبع: (شماعی و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۲۴)

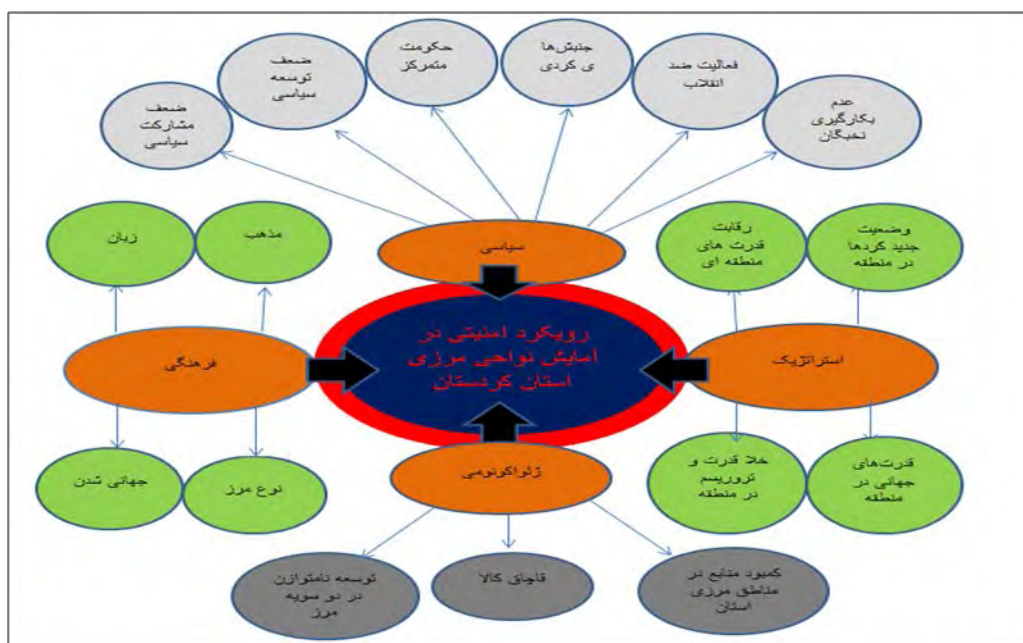
بیشتر آمارها و نمودارهای دلیلی بر عدم توسعه نیافتگی استان‌های مرزی ایران در ابعاد مختلف توسعه و نابرابری‌های توسعه فضایی است؛ به طوری که نواحی مرکزی از سطح توسعه مطلوب و نواحی حاشیه‌ای در سطح توسعه نیافته قرار دارند. نابرابری‌های فضایی در توسعه نواحی مرزی ایران نسبت به مرکز باعث تشدید مشکلات امنیتی و تقویت نیروهای مرکزگرای شده است.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای - اینترنتی و اسناد بالادستی به جمع‌آوری داده‌های مورد بحث پرداخته است و عوامل اثرگذار بر رویکرد امنیتی در آمایش نواحی مرزی ایران و به ویژه استان کردستان را با استفاده از داده‌های موجود تبیین کرده است.

یافته‌ها

عوامل چندگانه‌ای در اتخاذ رویکرد آمایشی از نوع «تقدم امنیت بر توسعه» در ایران به طور اعم و استان کردستان به - طور اخص نقش آفرین هستند. این مؤلفه‌ها در پژوهش حاضر در قالب عوامل جغرافیای سیاسی، ژئواکونومیک، ژئوکالچری و ژئواستراتژیکی (نمودار شماره ۱) مورد مذاقه قرار گرفته است.



نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش

ترسیم از: نگارندگان، (۱۳۹۸)

عوامل جغرافیای سیاسی

شکل بسیط متمرکز در ایران:

در الگوی بسیط یا تک‌ساخت، یکپارچه‌سازی اصل است و آرایش فضایی - سیاسی قدرت در کشور برای کنترل بهتر نواحی اعمال می‌شود. در این الگو قدرت سیاسی از یک کانون اعمال‌شده و تفاوت‌های ناحیه‌ای نادیده گرفته می‌شود و حکومت مرکزی در کلیه شئون ملی و منطقه‌ای و محلی مداخله می‌کند و تمام برنامه‌ریزی‌ها به‌صورت متمرکز انجام می‌شود. الگوی بسیط خود نیز به دو بخش تقسیم می‌شود: الگوی بسیط متمرکز که نظام سیاسی و اداری تمرکزگرایی را داراست (نظیر ایران) و الگوی بسیط غیرمتمرکز که از نظر سیاسی و قانون‌گذاری متمرکز، ولی از نظر اداری و خدماتی غیرمتمرکز هست (نظیر ژاپن و فرانسه). البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که فارغ از الگوی سیاسی حکومت‌ها، این الگوی مدیریت اجرایی آن است که میزان تمرکز یا عدم‌تمرکز قدرت در یک کشور را سبب می‌شود؛ برای مثال می‌توان کشورهایی با سیستم سیاسی بسیط چون فرانسه، سوئد و نروژ را که از سطح بالای عدم‌تمرکز قدرت و توسعه سیاسی در برابر کشورهای فدرالی چون پاکستان، برزیل، آرژانتین و نیجریه نام برد که به نظر می‌رسد تمرکزگرایی شدید و افراطی در ساختار سیستم سیاسی آن‌ها، مشکلاتی را برای کشور ایجاد کرده است.

جدول ۲: الگوی مدیریت سیاسی فضا در ایران

مقطع	حکومت و الگوی مدیریت فضا		مبنای تقسیمات کشوری
قبل از اسلام	هخامنشیان	فدرال	ملاحظات قومی و نژادی همانند تقسیمات هخامنشیان
	اشکانیان	ملوک الطوائفی	ملاحظات نظامی و بزرگ‌ملکداری خاندان
	ساسانیان	متمرکز	ساسانی
از اسلام تا مشروطه	صفویه	والی‌نشین	مالیات‌گیری و مقتضیات نظامی
مشروطه تا انقلاب اسلامی	قاجاریه	ممالک محروسه	جمع‌آوری مالیات و تأمین سپاه
	پهلوی	متمرکز	یکپارچه‌سازی و برخورد با نیروهای سیاسی محلی
بعد از انقلاب اسلامی	جمهوری اسلامی	متمرکز	هماهنگی در فعالیت‌های سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و محلی

منبع: (میرشکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۸)

الگوی نظام حکومتی در ایران با وجود تنوع جغرافیایی و کثرت گروه‌های مختلف زبانی، مذهبی، قومی و فرهنگی از نوع «بسیط متمرکز» است و نتایج سرزمینی آن عبارتند از:

۱. کاهش سطح دموکراسی و به دنبال آن محدود شدن آزادی‌های سیاسی مردم و نوسان داشتن میزان مشارکت آن‌ها در امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی؛
۲. بوروکراسی زیاد و تأخیر در انجام امور ملی، ناحیه‌ای و محلی؛
۳. نابرابری توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناحیه‌ای و محلی و اوج‌گیری نابرابری‌های فضایی و بی‌عدالتی‌های جغرافیایی مانند پیدایش قطب‌های شهری برخوردار و نواحی پیرامونی و حاشیه‌ای محروم؛
۴. فقدان زمینه‌های رشد قوای فکری، فنی و اجتماعی مردم و همچنین عدم توانایی دستگاه‌های حکومتی سطح پایین در پذیرش مسئولیت‌ها و در نتیجه اتکای همیشگی به رده‌های بالاتر و فقدان قوه ابتکار در این مجموعه‌ها؛
۵. عدم صلاحیت مرکز نسبت به مسائل محلی و مغفول ماندن مسائل محلی از دید مسئولان مرکز (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱) که کشور را با چالش‌هایی اساسی مواجه ساخته است.

در همین راستا بررسی‌های نظری نشان می‌دهد که در دیدگاه‌ها و نظریه‌های اخیر، ایجاد یک سیستم کارآمد حکومتی به‌عنوان اولین چالش در مدیریت محلی در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران ذکر شده است. در این ارتباط دولت‌های مرکزی باید بتوانند کارکردهای اصلی میان سطوح متفاوت حکومتی (دولت مرکزی، ایالات، نواحی، استان-ها، شهرها و حومه‌ها) را به طرز کارآمد و مؤثر توزیع کنند. با تبیین چنین مفاهیمی از مدیریت سیاسی فضا، رابطه تنگاتنگی بین مدیریت سیاسی و توسعه فضایی نواحی وجود دارد؛ چرا که نواحی، نظام‌هایی اجتماعی - فضایی‌اند که از ابعاد مختلف طبیعی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نهادی تشکیل شده‌اند که دو مورد پایانی به دلیل داشتن قدرت و ساز و کار کنترل دیگر ابعاد از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. به همین دلیل مناسبات مدیریت سیاسی و تأثیرات آن در توسعه فضایی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

ضعف توسعه سیاسی در ایران

مشارکت و رقابت گروه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی خود مستلزم تحقق لوازم بلافصلی است که اجزای تعریف توسعه سیاسی را تشکیل می‌دهد که این لوازم شامل: سازمان‌یابی گروه‌ها و نیروهای اجتماعی، آزادی در مشارکت و رقابت سیاسی، وجود مکانیسم‌های حل منازعه نهادی در درون ساختار سیاسی، خشونت‌زدایی از زندگی سیاسی و غیره است که چنین فرجامی تحت شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاصی به وجود می‌آید (بشیریه، ۱۳۸۹: ۱۳-۱۲). ایران به‌عنوان یک ساختار متکثر و نامتوازن، تاریخ پرفراز و نشیبی را از زیست تنوعات در کنار هم به خود دیده است. دوره قبل از اسلام نمونه موفقیت‌آمیزی از همزیستی بود؛ اما از صفویه به بعد و به‌ویژه با رشد ملی‌گرایی تجربه زیست فوق‌کنار گذاشته شد. جالب‌تر آنکه سیاست متأثر از این اندیشه (ملی‌گرایی) در پی دستیابی به اتوپیای خود یعنی ایران باستان بود، غافل از آنکه شالوده اصلی اقتدار ایران باستان در تکثرگرایی بود که ایرانیان ملی‌گرا از آن به‌مثابه نقطه ضعف اساسی خود در این راه تعریف کرده بودند. قالب‌های ناپایدار همچون تبعیض، کوچ اجباری و تبعید، به یکرنگ درآوری و نظایر آن وضعیتهایی بودند که در این دوره، ایران آن‌ها را تجربه کرد و در نهایت توسعه سیاسی در ایران را با مشکل مواجه ساخت (اخباری و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۳). بدیهی است قبض و بسط توسعه سیاسی، به سبب وجود موانع و چالش‌هایی بوده که در تاریخ معاصر ایران در برابر پویش و بالندگی آن مقاومت کرده‌اند. از اهم این موانع، ضعف جامعه مدنی و حاکمیت دولت رانته، قابل ذکر است. قراین و شواهد تاریخی حاکی از این حقیقت است که هرگاه در دوره‌ای، دولت، خصلت تحصیلدار پیدا کرده و مستقل و بی‌نیاز از مالیات مردم شده و از تمرکز قدرت برخوردار شده است عرصه را بر جامعه مدنی بسته است و مانع توسعه سیاسی در کشور شده است (عبداللهی و راد، ۱۳۸۸: ۵۷). بی‌تردید، پیدایش رقابت ایدئولوژیک و گسترش مشارکت سیاسی به‌عنوان ویژگی‌های اساسی توسعه سیاسی، خود نیازمند تحولات عمده‌ای در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه است. دستکم اینکه وجود نوعی ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص، بیشتر مساعد پیدایش و گسترش مشارکت و رقابت سیاسی است. اما در اغلب جوامع نفت‌خیز خاورمیانه و از آن جمله در ایران، چنین ساختار مساعدی برای توسعه سیاسی موجود نیست. در این قبیل کشورها، تمرکز و اتکای انحصاری دولت تحصیلدار بر درآمدهای نفت و ضدیت ذاتی آن با کثرت‌گرایی و جامعه مدنی، عملاً زمینه را برای استقرار نظام بسته سیاسی فراهم می‌کند و نظام سیاسی، بسیاری از لوازم دموکراسی و تجلی اراده مردم را از دست می‌دهد و میزان مشارکت و رقابت سیاسی در عرصه فعالیت حزبی، انتخاباتی و مجلسی، به پایین‌ترین سطح ممکن تنزل می‌یابد و همین وضعیتهای نهایتاً به بحران مشارکت و گریز از مرکز نیروهای واگرا و متعاقب آن نابسامانی و ناستواری سیاسی می‌انجامد و رویکرد امنیتی را بخصوص در نواحی مرزی تشدید می‌کند (همان: ۳۶). توسعه‌نیافتگی سیاسی موجب می‌شود که حکومت به اقوام و مذاهب با دید تهدید نگاه کند و کمترین استفاده را از نیروهای بومی در مدیریت نواحی قومی - مذهبی داشته باشد که افراد غیربومی با توجه به عدم‌شناخت کافی از ناحیه تحت اختیارشان، موجب تشدید رویکرد امنیتی می‌شوند.

تاریخ جنبش‌های کردی و فعالیت احزاب ضد انقلاب

اصلی‌ترین عامل پیچیدگی‌های سیاسی در ایران مؤلفه‌های مربوط به نیروهای گریز از مرکز است (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۲۵). نیروهای گریز از مرکز در نواحی پیرامونی و نواحی مرزی همواره کنش‌های سیاسی در ایران را تحت تأثیر قرار داده‌اند که نمونه بارز آن کردها هستند. در ناحیه گردنشین ایران و به‌ویژه کردهای سورانی و اورامی که در ناحیه مورد مطالعه و در نواحی هم‌جوار قرار دارند، جریان‌های سیاسی و امنیتی زیادی تاکنون رخ داده است که بعضاً به تشکیل حکومت خودمختار نیز منجر شده است و بازتاب‌های آن در سطوح مقیاس‌های مختلف برای چندین دهه باقی مانده است. تحرکات اصلی در ناحیه کردستان ایران از زمان اسماعیل آقا سمیتقو (سمکو) در سال‌های ۱۹۲۰ تا

۱۹۲۵ م. شروع شد. سمیتقو با سلاح‌های بازمانده از شوروی دست به لشکرکشی در غرب آذربایجان و شمال کردستان ایران زد و مدتی خود را شاه کردستان نامید. شورش سمیتقو سرانجام در سال ۱۳۰۹ ه.ش توسط رضاشاه سرکوب شد. رضاشاه از ابزارهای نظامی و ساختار قدرت نیروهای مسلح برای سرکوب نیروهای اجتماعی و شورش‌ها بهره گرفت (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۹۱). سرکوب فیزیکی رضاشاه و سیاست‌های ناسیونالیسم افراطی با اعمال فشار، نیروهای واگرا را برای مقطع زمانی کوتاهی غیرفعال کرد. بعد از برکناری رضاشاه و در دوران خلأ قدرت سیاسی در ایران این نیروها بخصوص در نواحی کردنشین دوباره زنده شدند (صالحی‌امیری، ۱۳۸۸: ۲۴۹). به طوری که سه سال پیش از تأسیس حزب دموکرات کردستان ایران، گروهی با عنوان «جمعیت احیای کرد» بنیاد نهاده شده بود که از آن با عنوان نخستین گروه سیاسی کُرد با افکار ناسیونالیستی در ایران یاد می‌شود؛ جمعیت احیای کُرد بعد از سه سال به حزب دموکرات تغییر ماهیت داد. حزب دموکرات در شرایطی که با وجود پایان جنگ جهانی دوم نواحی شمالی ایران همچنان در اشغال ارتش شوروی قرار داشت، اعلام موجودیت کرد و توانست در دوم بهمن ۱۳۲۴ ه.ش نخستین دولت کُرد را که «جمهوری مهاباد» نام گرفت در نواحی کردنشین غرب ایران بنیاد نهد، جمهوری‌ای که کمتر از یازده ماه عمر کرد. با خروج ارتش شوروی، ارتش ایران «جمهوری مهاباد» را در شانزدهم آذر ۱۳۲۵ ه.ش سرنگون ساخت. قاضی محمد، رئیس این جمهوری و رهبر حزب دموکرات همراه با شماری از سران حزب به دار آویخته شدند. حزب دموکرات تا زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران، فعالیت علنی آن در کردستان منحصر به دوران نخست‌وزیری محمد مصدق و دوره‌های کوتاه درگیری‌هایی مقطعی پس از آن بود که به شدت سرکوب شد. در جریان انقلاب، حزب دموکرات توانست به رهبری عبدالرحمن قاسملو دوباره در نواحی کردنشین غرب ایران پایگاهی گسترده برای خود فراهم آورد و با سقوط حکومت شاهنشاهی، کنترل بخش اعظم نواحی کردنشین استان‌های کردستان و کرمانشاه را در دست بگیرد. حزب دموکرات و حزب کومله (در زبان کُردی به معنی توده)، احزاب فعال در این دوره بودند. اما اندک زمانی پس از روی کار آمدن حکومت انقلابی، حزب دموکرات با توجه به ایدئولوژی رو در روی حکومت جدید قرار گرفت و مخالفت خود را با نظام جمهوری اسلامی اعلام کرد، ارتش جمهوری اسلامی نیز همراه با نیروهای سپاه پاسداران و بسیج وارد عمل شدند تا کنترل نواحی کردنشین را از دست گروه‌های کُرد خارج کنند. بدین ترتیب درگیری خونین آغاز شد که به سرکوب حزب دموکرات و حزب کومله و پناه بردن آنان به عراق انجامید. حزب دموکرات کردستان ایران از آغاز شعار خود را «دموکراسی برای ایران، خودمختاری برای کردستان» قرار داد و این شعار را در کنگره سیزدهم خود به «ایران دموکراتیک و فدرال» تغییر داد. این احزاب از تفکرات سکولاریزم پیروی می‌کنند و دخالت دین در حکومت را قبول ندارند. این احزاب حکومت جمهوری اسلامی ایران را که بر اساس حکومت دینی است، قبول نداشته و در نواحی کردنشین ایران به وسیله تلویزیون، رادیو و سایر رسانه‌ها که از خارج از کشور پخش می‌شوند بر ضد منافع جمهوری اسلامی ایران تبلیغات می‌کنند. حزب دموکرات بعد از ساکن شدن در عراق در استان اربیل در حالت انزوا قرار داشته است. بعد از به وجود آمدن داعش و آشفته شدن اوضاع در منطقه این حزب درگیری‌هایی در نواحی مرزی استان کردستان با نیروهای سپاه داشته‌اند و باعث تشدید رویکرد امنیتی در نواحی مرزی استان شده است.

جدول ۳: خصوصیات و ویژگی‌های رهبران جنبش‌ها در مناطق کُردنشین ایران

نام جنبش	شیخ عبیدالله شمدینانی	اسماعیل آقا سمکو	قاضی محمد	عبدالرحمن قاسملو
مقطع زمانی	۱۸۸۱-۱۸۸۰	۱۹۲۶-۱۹۲۰	۱۹۴۶-۱۹۴۵	۱۹۸۹-۱۹۷۹
عوامل زمینه‌ای	برکناری روسای قبایل کرد، جنگ ۱۸۷۰	قتل جعفر برادر سمکو، آشفتنگی	آشفتنگی ناشی از جنگ جهانی دوم،	سقوط رژیم شاهنشاهی، جنگ ایران

نام جنبش	شیخ عبداللہ شمدینانی	اسماعیل آقا سمکو	قاضی محمد	عبدالرحمن قاسملو
	روس و عثمانی، آزادی مذهبی	داخلی، شورش شیخ خزعل، افکار استقلال طلبانه ملت‌ها	تشکیل کومله، نفوذ افکار مارکسیستی	عراق
مطالبات	آزادی مذهبی	خودمختاری	استقلال	خودمختاری در چارچوب ایران
موقعیت جغرافیایی	هسته	چهریق	مهاباد	مهاباد
	پیرامون	اشنویه، شاهین‌دژ، زوزان، سقز، بانه، ترگور، میاندوآب، سلماس تا سنندج	میاندوآب، بانه، سردشت، سقز، بوکان، نقده، اشنویه، دیواندره	جنوب آذربایجان غربی، استان کردستان و شهرستان‌های جوانرود، نوسود، سرپل ذهاب، پاوه
حمایت مردم و طوایف	قبایل و شیوخ منطقه	قبایل و شیوخ منطقه	عشایر و قبایل منطقه، بازرگانان شهری، فتودال‌های منطقه، بارزانی‌ها	مناطق کردنشین و بخصوص سنّی نشین استان‌های، کردستان و کرمانشاه
دیدگاه رهبر یا نخبگان	اسلام‌گرا	ناسیونالیسم	ملّی - مذهبی	ناسیونالیسم
قدرت‌های درگیر	منطقه‌ای	ترکیه، روسیه، عراق	روسیه، عراق	عراق
	فرامنطقه‌ای	بریتانیا	آمریکا، انگلیس	-

منبع: (بدیعی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰۸)

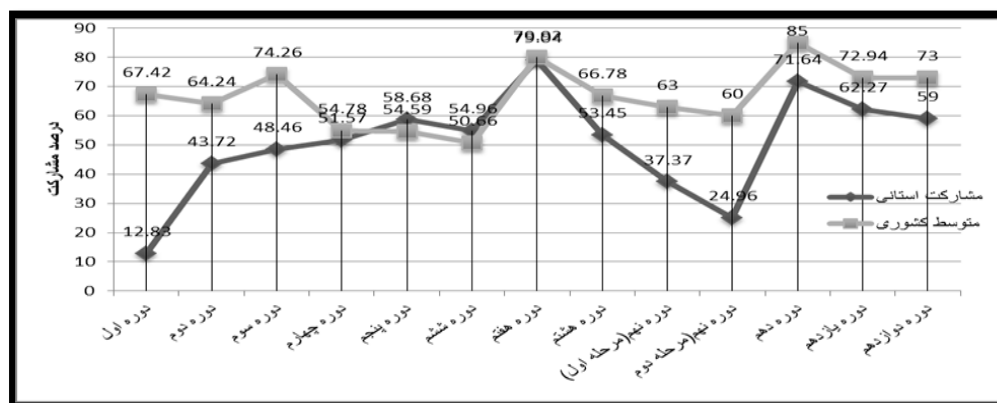
کومله: سازمانی چپ‌گرا در کردستان ایران است. این سازمان از مخالفان جمهوری اسلامی است و پس از انقلاب ۱۳۵۷ ه.ش ایران با نیروهای جمهوری اسلامی وارد جنگ مسلحانه شده و بیشترین فعالیت آن‌ها در استان کردستان ایران است. در حال حاضر اردوگاه این حزب در کردستان عراق قرار دارد و به فعالیت تبلیغی علیه جمهوری اسلامی ایران ادامه می‌دهد. این حزب در دههٔ اخیر دچار انشقاق شده و به سه حزب کوچک تبدیل شده است. فعالیت این حزب بیشتر در زمینهٔ افکار چپ و مارکسیسم است و نسبت به حزب دموکرات از درجهٔ ملّی‌گرایی کمتری برخوردار است، به طوری که دامنهٔ تبلیغات این حزب فراتر از نواحی کردنشین است و بیشتر احزاب چپ که اوایل انقلاب فعالیت داشتند، امروزه در این حزب فعالیت می‌کنند. این حزب با ایدهٔ مارکسیستی درصدد تبلیغات برای ایجاد انقلاب سوسیالیستی در ایران است.

پژاک: حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) یک گروه شبه‌نظامی است که در سال ۲۰۰۴ م در کردستان ایران تشکیل شد. این حزب از این سال به بعد تلاش‌های سیاسی و نظامی خود را علیه جمهوری اسلامی ایران شروع کرد و خود را شاخهٔ ایران حزب کارگران کردستان ترکیه یا پ.ک.ک. معرفّی نمود. تمرکز فعالیت آنان در نواحی مرزی ایران واقع در کوه‌های قندیل است. مرامنامه این گروه به صورت تلفیقی از «ناسیونالیسم قومی و مارکسیسم - لنینیسم» است. پژاک، مکان ثابتی ندارد و در مرزهای شمال غرب ایران به صورت گروه‌های تیمی فعالیت می‌کند. این حزب اقدامات مسلحانهٔ خود را بیشتر در استان‌های مرزی کردستان، آذربایجان غربی، ایلام و کرمانشاه، شهرهای مرزی خوی، سلماس و ماکو سازمان‌دهی می‌کند. پژاک با حمایت مستقیم سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای فرامنطقه‌ای تشکیل شده و در جدار مرزهای شمال غربی به تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران تجاوز می‌کند (زارعی و رضایی، ۱۳۹۶). این حزب به فعالیت‌های چریکی در نواحی کردنشین ایران با محوریت نواحی مرزی می‌پردازد و با حمله به

پادگان‌های نظامی سپاه باعث به‌وجود آوردن درگیری‌های متعددی شده است. پژاک قسمتی از کوه‌ها در نقطه استراتژیک قندیل را که مرز بین ایران، عراق و ترکیه است، محل اسکان خود قرار داده است. این حزب چندین بار مردم عادی را به بهانه همکاری با حکومت به ترور رسانده است و اثرات زیادی بر رویکرد امنیتی حاکمیت نسبت به نواحی مرزی داشته است. فلذا حضور گروه‌های مذکور در نواحی مرزی استان کردستان بر روند آمایش و توسعه این نواحی اثرگذاری مستقیمی دارد و به طور مشخص منجر به شکل‌گیری الگوی آمایشی «تقدم امنیت بر توسعه» می‌شود.

مشارکت کم‌رنگ در انتخابات در نواحی کردنشین:

انتخابات، مجموعه عملیاتی است که در جهت گزینش فرمانروایان یا تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت، تدبیر شده است. از این دیدگاه انتخابات به معنی فنون گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین نمایندگان است. ابزاری است که به‌وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد. در حال حاضر در چارچوب این مبحث دو گونه انتخابات از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند: یکی انتخاب رئیس دولت در رژیم‌های جمهوری و دیگری انتخابات نمایندگان مجالس مقننه. اهمیت این دو نوع انتخابات از لحاظ جوهره سیاسی ویژه آنهاست و این‌که هر فرد به‌عنوان شهروند، ضمن رأی دادن، در واقع سرنوشت جامعه ملی را رقم می‌زند. در حالی که امروزه، ابزار انتخابات در سطوح جغرافیایی گوناگون مانند بخش‌ها، شهرستان‌ها، استان‌ها و حتی در موارد بسیاری شهرها و روستاها برای تعیین مشاوران و کارگزاران محلی به کار می‌رود و برقراری این‌گونه انتخابات به‌عنوان نشانه وسعت میدان دموکراسی تلقی می‌شود. مشارکت در انتخابات سیاسی، نوعی کنش اجتماعی است که به قوام و بقای نظام اجتماعی یاری می‌رساند و بدین ترتیب این کنش اجتماعی با ابعاد ذهنی و عینی خود پرده از هویت سیاسی کنشگران برمی‌گیرد و زوایای پنهان از تعاملات فرهنگی و پوشش‌های ساخت نظام اجتماعی را عیان می‌سازد. بنابراین میزان مشارکت سیاسی مردم یکی از مؤلفه‌های مشروعیت نظام سیاسی است. بدیهی است که متغیرهای مختلفی انگیزاننده مردم در مشارکت سیاسی به‌ویژه مشارکت در انتخابات است. رفتار انتخاباتی تحت تأثیر عوامل متعددی شکل می‌گیرد. برخی به عوامل سیاسی، برخی به عوامل اقتصادی و برخی دیگر هم به عوامل اجتماعی و تبلیغاتی توجه دارند در این تحقیق سعی بر آن است تا مجموعه‌ای از عوامل را به‌صورت ترکیبی مطرح شود. رفتار انتخاباتی نوعی کنش سیاسی است که به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران با پس‌زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امنیتی جامعه مرتبط است و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. برگزاری انتخابات آزاد، سالم و مبتنی بر قانون از مهم‌ترین شاخصه‌های آزادی و مردم‌سالاری در کشورها و جوامعی است که در آن‌ها نهادهای برخاسته از مردم، ارکان اصلی تصمیم‌گیری هستند و کارگزاران آن‌ها در غیاب مردم اجازه ندارند سرنوشت کشورشان را رقم بزنند. بنابراین یکی از مؤلفه‌های مشروعیت نظام‌های سیاسی در سراسر جهان، میزان مشارکت سیاسی مردم در آن است. به‌طور معمول مشارکت در استان کردستان پایین‌تر از متوسط کشوری بوده است (نمودار شماره ۲).



نمودار ۲: مقایسه مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری در استان کردستان با متوسط کشوری تهیه و تنظیم از: نگارندگان، ۱۳۹۸)

عوامل ژئوکالچری

تفاوت‌های قومی - مذهبی کردها با مرکز

زبان کردی یکی از زبان‌های شاخه شمال‌غربی خانواده زبان‌های ایرانی است (مرادی، ۱۳۸۶: ۲) که لهجه‌های بسیار زیادی دارد. شرایط اقلیمی، فرهنگی و سیاسی از مهم‌ترین عواملی است که منجر به ایجاد زیرشاخه‌ها و لهجه‌های بسیار متفاوت در این زبان شده است. زبان کردی در استان کردستان و همچنین در استان‌های ایلام، کرمانشاه، آذربایجان و شمال خراسان و دیگر کشورها لهجه‌های گوناگونی دارد. اما به لحاظ تعداد گویش‌های عمده زبان کردی، کرمانجی و سورانی می‌باشند (لازریف، ۱۳۸۱: ۱۵). در واقع مهم‌ترین، پرتکلم‌ترین و یا به عبارتی لهجه رسمی و ادبی، دو شاخه کرمانجی و سورانی است. در استان کردستان، لهجه رایج در ادبیات مکتوب شاخه سورانی است. زبان کردی، همانند زبان فارسی در مجموعه زبان‌های گروه هند و اروپائی قرار می‌گیرد و دارای قوانین خاص از لحاظ دستوری و نوشتاری است و هم اکنون در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر اروپایی و خاورمیانه، ادبیات آن تدریس می‌شود. به‌علت وسعت زیاد نواحی کردنشین، این زبان دارای لهجه‌های اصلی و زیرلهجه‌های زیادی است که این تنوع لهجه از لحاظ حجم کلمات، این زبان را غنی و وزن و لفظ آهنگین کلمات، عرصه شعر و ادبیات و موسیقی کردی را متأثر و غنی ساخته است. مردم شهرستان‌های مرزی استان کردستان با لهجه سورانی صحبت می‌کنند که در نواحی مرزی عراق در استان سلیمانیه نیز مردم با همین گویش کردی تکلم می‌کنند. زبان کردی اساس مطالبات فرهنگی و ابزار توانمندسازی فرهنگ، سیاست و هویت در نواحی کردنشین است و پایه بسیاری از ناحیه‌گرایی‌های فرهنگی در این نواحی ریشه در ناسیونالیسم زبانی دارد (کاویانی‌راد، ۱۳۸۹: ۶۷). زبان نواحی کردنشین ایران در بیرون از مرزهای ملی زبان رسمی در کنار زبان عربی در کشور مجاور عراق است که نوع رویکرد دولت مرکزی را تحت تأثیر قرار داده است (همان: ۶۷).

دین و مذهب

باورهای مذهبی در ایجاد اختلافات فرهنگی نقش اصلی را بازی می‌کند و در نواحی مرزی استان کردستان مردم پیرو مذهب شافعی هستند و شامل گروه‌های مکتب قران، سلفی، دعوت و اصلاح و ... هستند که هر کدام دارای برنامه و فلسفه وجودی خودشان هستند. ناحیه‌گرایی مذهبی و زبانی در نواحی کردنشین عمیق‌ترین شکل ناحیه‌گرایی است که به ناحیه‌گرایی سیاسی منجر شده است. در طول تاریخ ایران مسائل مذهبی یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در تعیین

مرزهای کنونی بوده است و مذهب سنی در واگرایی و گرایش کردها به امپراتوری عثمانی بی‌اثر نبوده است که باعث جدا شدن بخش‌های بزرگی از کردستان از ایران شده است و این وضعیت بر رویکرد دولت مرکزی در آن نواحی مؤثر بوده است (کاویانی‌راد، ۱۳۸۹: ۱۹۹). ناحیه‌گرایی در نواحی کردنشین ایران اکثراً در نواحی سنی‌نشین بوده است و نواحی شیعه‌نشین تأثیری در جنبش‌ها و حرکات واگرایانه از مرکز نداشته‌اند. بدین ترتیب سابقه ناحیه‌گرایی سیاسی منفی در نواحی مرزی همواره بر ذهنیت دولتمردان کشور سایه انداخته و به نوعی غلبه رویکرد امنیتی در آمایش این نواحی را تشدید کرده است.

عدم مطابقت مرزهای استان با مرزهای قومی

مرزهای فرهنگی مرزهایی هستند که بین دو تمدن یا دو فرهنگ کشیده می‌شوند و دو فرهنگ مختلف را از همدیگر جدا می‌کنند اما مرزهای استان کردستان، خروجی جنگ چالدران است که در روز ۳۱ مرداد سال ۸۹۳ ه.ش آغاز شد. این جنگ در محلی به همین نام در شمال آذربایجان غربی در ۲۰ کیلومتری شهر خوی میان قوای ارتش نوین عثمانی و سپاهیان سنی شمال غرب کشور به وقوع پیوست که در نتیجه آن بخش‌هایی از شمال غربی ایران از جمله همدان، آذربایجان و کردستان شامل نواحی چون دیاربکر، مرعش و البستان به دست امپراتوری عثمانی افتاد. نخستین نتیجه جنگ چالدران جدا شدن نواحی کردستان باختری شامل کردستان ترکیه، کردستان عراق و کردستان سوریه کنونی از ایران بود. این شکست ایران، باعث شد که قسمت‌های بزرگی از سرزمین ایران جدا شود و کردها را به دو ناحیه تحت حاکمیت ایران و عثمانی تبدیل کند. مرزهای استان کردستان نیز به‌عنوان بخشی از نواحی کردنشین ایران با کشور عراق به زور قدرت نظامی ترسیم شده است و مردم در تحدید آن هیچ نقشی ایفا نکرده‌اند و این مرز از لحاظ قومی و فرهنگی و حتی روابط زناشویی توانسته که مردم نواحی مرزی استان کردستان در ایران و عراق را خیلی محدود کند. بنابراین سیمای حاکم بر مرزهای این ناحیه از نوع «مرزهای تحمیلی» بوده است و این موضوع بر امنیتی شدن مرز و نواحی مرزی می‌افزاید.

جهانی شدن و اقوام

جهانی شدن، پدیده‌ای است که روی تمامی مؤلفه‌های انسانی تأثیر گذاشته است و تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات فاصله‌ها را کوتاه کرده است. یکی از اولین سبب‌هایی که مورد هدف جهانی شدن قرار گرفته است، فرهنگ و موضوعات مرتبط با آن است. گروهی معتقدند که جهانی شدن موجب افول و اضمحلال خرده‌فرهنگ‌ها و هویت‌های قومی می‌شود؛ اما گروهی دیگر معتقدند که جهانی شدن نه تنها باعث از بین رفتن خرده‌فرهنگ‌ها و قومیت‌ها نخواهد شد، بلکه با ابزاری که در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد، موجبات رشد و خودآگاهی قومی را فراهم ساخته و منجر به تقویت جنبش‌های قومی شده است. یکی از کارکردهای جهانی شدن، فضای مجازی است و اقوام و مذاهب در فضای مجازی آزادی مانور بیشتری دارند و مؤلفه‌های فرهنگی، تاریخی، زبانی و قومی خود را تولید، بازتولید و بازنشر می‌کنند و به قلمروسازی ذهنی در فضای مجازی می‌پردازند که دولت‌های مرکزی را با تهدید واگرایی روبه‌رو می‌کند. یکی دیگر از کارکردهای جهانی شدن مشبک کردن مرزهای بین‌المللی است. مرزها دیگر نمی‌توانند جریان‌های فرهنگی، اقتصادی و نظایر آن را با کشورهای خارج سد کنند و در نتیجه همیشه مرزها در معرض تهدیدات متنوع قرار می‌گیرند که اگر اقوام و مذاهب در نواحی مرزی زیست داشته باشند و نوع مرز نیز دو تا فرهنگ را از هم جدا نکند، شدت تهدید حاکمیت، بیش از پیش تشدید می‌شود. بر این اساس نواحی مرزی استان کردستان دارای تمام موارد بالا است و همین امر در کنار دیگر عوامل ذکر شده غلبه رویکرد اولویت امنیتی در این نواحی نسبت به توسعه را رقم می‌زند.

عوامل ژئواستراتژیکی

حضور قدرت‌های جهانی و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای

منطقه خاورمیانه از نظر ژئوپلیتیکی می‌تواند موازنه قدرت‌ها را برهم بزند و بدین رو از اهمیت بالایی برخوردار است و محل رقابت قدرت‌های بزرگ جهانی مانند آمریکا و روسیه به عنوان قدرت‌های درجه یک است، همچنین انگلیس، فرانسه و چین نیز نقش فعالی به عنوان بازیگران فرعی در این منطقه دارند (پیشگاهی فرد و رحمانی، ۱۳۹۰: ۶). هدف آمریکا ماندن به عنوان قدرت خارجی برتر در خاورمیانه است؛ در حالی که روسیه به دنبال کاهش برتری‌جویی آمریکایی‌ها است. جنگ در سوریه، روشن‌ترین جنگ نیابتی در چارچوب این رقابت است. برنامه هسته‌ای ایران و اختلاف‌های بین روسیه و چین از سویی و آمریکا از سوی دیگر بخشی از این رقابت است. کشور ایران همواره از سوی ایالات متحده آمریکا مورد تهدید قرار گرفته است و حرکات و اهداف آمریکا در نواحی پیرامونی ایران مورد نگرانی ایران بوده است. در مورد قدرت‌های منطقه‌ای این رقابت بر سر این است که کدام قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه برتر می‌باشد. در دوره‌ای، ایران و عربستان سعودی قدرت‌های اصلی این رقابت بودند، ولی اکنون ترکیه و قطر نیز به دنبال جایگاهی برای خود هستند. اتحاد بین این نیروها هم در حال تغییر است. قبلاً به نظر می‌رسید که عربستان و قطر متحد هستند ولی اکنون آن‌ها بر سر حمایت از گروه‌های گوناگون مخالف دولت سوریه با یکدیگر به رقابت برخاسته‌اند و در مصر نیز قطر از اخوان المسلمین و عربستان از ارتش حمایت می‌کند. رقابت مذهبی بین شیعه و سنی در منطقه وجود دارد؛ هرچند رقابت اصلی باز هم بین ایران و عربستان سعودی است، ولی این رقابت‌ها در درون مرز کشورهایی چون عراق، بحرین، عربستان و لبنان هم وجود دارد. همین رقابت است که همراهی عراق با ایران و حزب‌الله در مسائل سوریه را توضیح می‌دهد. این رقابت لایه‌لایه نیز هست و در داخل هر یک از مذاهب نیز گروه‌های رقیب برای کسب برتری با یکدیگر رقابت می‌کنند. در کل منطقه خاورمیانه محل نزاع، درگیری و کشمکش بین قدرت‌های جهانی مانند روسیه، آمریکا، چین و اتحادیه اروپا است که با هم در منطقه تضاد منافع دارند (همان: ۲۵۵). قدرت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه که شامل ایران، ترکیه، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی می‌شود نیز همواره با هم در رقابت‌های استراتژیکی و ژئوپلیتیکی بوده‌اند و همواره موقع ایجاد بحران از اقوام و مذاهب در راستای اهداف و منافع‌شان بهره‌برداری کرده و با تولید چالش‌های ژئوپلیتیکی مختلف برای یکدیگر امنیت ملی همدیگر را به مخاطره انداخته‌اند.

موقعیت اقلیم کردستان و کردها در منطقه

کردها پس از سقوط رژیم بعث، فرصت آن را یافتند که در قدرت سیاسی آن کشور یکی از شرکای اصلی باشند (علی‌نقی، ۱۳۸۳: ۱۶). با توجه به انسجام، هماهنگی و کارایی بالا، کردها توانستند بیشترین منافع را در روند سیاسی جدید عراق نصیب خود کنند، پست‌های کلیدی در عراق را از آن خود سازند و خواسته‌های خود را بر مبنای فدرالیسم و تقسیم قدرت، قانونی کنند. منطقه فدرال کردستان عراق که استان‌های دهوک، اربیل، سلیمانیه، و بخش‌هایی از استان‌های صلاح‌الدین، موصل و کرکوک را در برمی‌گیرد و از یک وضعیت خودگردانی در چارچوب مرزهای کشور عراق برخوردار بوده است و حکومت منطقه‌ای کردستان که منتخب مجلس محلی این منطقه هست، در طی این مدت به اداره آن پرداخته است، شیوه و چگونگی خودگردانی کردستان عراق در چارچوب «حکومت منطقه‌ای کردستان» با الگوهای کلاسیک خودمختاری و «فدرالیسم» شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. در رابطه با تشابهات آن می‌توان گفت حکومت منطقه‌ای کردستان در مواردی نظیر دارا بودن مرکزیت سیاسی، مجلس و قوه مجریه محلی، بودجه محلی و داشتن نمایندگانی در پایتخت فدرال با سایر حکومت‌های غیرمتمرکز شباهت دارد، اما در ارتباط با

تفاوت شیوه خودگردانی حکومت منطقه‌ای کردستان در مواردی نظیر برقراری ارتباط خارجی با سایر بازیگران نظام بین‌الملل، در اختیار داشتن نیروهای نظامی موسوم به «پیشمرگه» یا حافظان اقلیم که در حکم «ارتش» هستند (امیری-مقدم: ۱۳۸۹) و همچنین صلاحیت‌ها و اختیارات مجلس کردستان در زمینه توی قوانین مجلس و حکومت فدرال و موارد دیگر با سایر الگوهای غیرمتمرکز تفاوت دارد. با عنایت به تفاوت‌های مدل حکومتی کردستان عراق با الگوها و مدل‌های خودمختاری و فدرال، می‌توان برای این اقلیم وجود مستقلاً در چارچوب الگوهای مدیریتی فضا قائل بود. نتیجه این‌که الگوی حکومتی در کردستان عراق و حکومت منطقه‌ای آن با وجود داشتن اشتراکات فراوان با الگوهای خودمختار و فدرالیسم در زمره هیچ‌کدام از آن‌ها قرار نمی‌گیرد؛ زیرا اختیارات و صلاحیت‌هایی که در چارچوب قانون اساسی عراق به حکومت منطقه‌ای کردستان اعطا شده است، باعث شده که مدل کردستان عراق در مرحله بالاتری از خودمختاری و فدرالیسم قرار بگیرد. بر همین اساس می‌توان نام این الگوی حکومتی را مدل «فراایالتی» نامید (قربانی-نژاد، ۱۳۸۷: ۲۱۵). بعد پیدایش داعش و خلأ قدرت در کشورهای منطقه، کردها توانستند با سازمان‌دهی خود در سوریه و با حمایت قدرت‌ها در مبارزه با تروریسم موفق عمل کنند و وارد فاز جدیدی در حیات سیاسی خود شوند. حملات تروریست‌های داعش به نواحی کردنشین در سوریه و عراق اتحاد و انسجام بیشتری به کردها بخشید و شکست گروه تروریستی داعش در منطقه باعث افزایش مطالبات سیاسی و امنیتی کردها در عراق و سوریه شد؛ به طوری که اقلیم کردستان عراق همه‌پرسی استقلال را انجام داد و کردهای سوریه نیز به سمت فدرالیسم در حرکت هستند که این وضعیت سطح مطالبات را در نواحی کردنشین ایران بالا خواهد برد. نتیجه آنکه شرایط بغرنج حاکم بر منطقه و کشورهای دارای اقلیت کرد اعم از سوریه، ترکیه و به ویژه عراق موجب می‌شود که در کردستان ایران شرایط امنیتی خاصی شکل بگیرد و نگرانی و هراس تاریخی دولت مرکزی و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی در چارچوب تقدّم و اولویت امنیتی در نواحی و شهرستان‌های مرزی شکل بگیرد.

خلأ قدرت و پدیده تروریسم در منطقه

بعد از حمله آمریکا به کشورهای همسایه ایران در اوایل قرن بیست و یکم شاهد به وجود آمدن پدیده تروریسم و ایجاد خلأ قدرت در منطقه بوده‌ایم. حضور گروه‌های تروریستی در این کشورها و قدرت یافتن گروه تروریستی داعش و حمایت برخی کشورهای همسایه ایران با توجه به رقابت‌های موجود و خلأ قدرت در کشورهای همسایه ایران برای مقابله کامل با داعش در آغاز شکل‌گیری این پدیده شوم داعش و دیگر تروریست‌ها، مشکلات متعددی را برای کشور ایران به ارمغان آورده و هزینه‌های زیاد و ناخواسته انسانی و اقتصادی را به کشور تحمیل نمود. تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی و قومی در منطقه در طول سال‌های اخیر افزایش یافته و این امر نظم و ثبات سیاسی - اجتماعی و پیشرفت اقتصادی کشورها را به نوعی تحت تأثیر قرار داده است. وهابیت و سلفی‌گری به‌عنوان یک ایدئولوژی مذهبی افراطی منبع عمده گسترش تروریسم و تنش‌های مذهبی بوده و این ایدئولوژی به‌واسطه آشفتنگی کلی منطقه‌ای و برخی ملاحظات سیاسی بازیگران ذی‌نفع، فضای گسترده‌تری برای انتشار و تأثیرگذاری پیدا کرده است. تروریسم افراط‌گرایی در عراق، هر چند به‌واسطه عوامل مختلف داخلی و منطقه‌ای تقویت شده اما اکنون خود به منبع عمده بی‌ثباتی و ناامنی تبدیل شده است. در افغانستان و پاکستان نیز افراط‌گرایی و تروریسم همچنان به‌واسطه عوامل سیاسی - اجتماعی و مؤلفه‌های بیرونی ادامه حیات می‌دهد و ثبات و امنیت منطقه‌ای را به شدت متأثر می‌سازد و وضعیت نابسامان محیط پیرامونی ایران و نواحی مرزی داخلی را از لحاظ امنیتی تحت تأثیر قرار می‌دهد. بالطبع در این بین نواحی مرزی استان کردستان با توجه به مجاورت با سرزمین‌های تحت حاکمیت نامشروع داعش حالت و وضعیت امنیتی پیدا نمود. این امر به همراه سایر عوامل مذکور بیش از پیش در اتخاذ رویکرد امنیتی در نواحی مرزی استان کردستان نقش آفرین بوده و هست.

عوامل ژئواکونومیکی

قاچاق کالا در نواحی مرزی

قاچاق، پدیده مذمومی است که مرزهای اقتصاد و تولید ملی کشور را تخریب می‌کند و مانع از بهره‌گیری مناسب از توانمندی‌ها و استعدادهاى بالفعل و بالقوه اقتصادی می‌شود. این پدیده سال‌هاست که در عرصه ایجاد رانت‌های اقتصادی و درآمدهای بادآورده نقش بسزایی دارد و یکی از عوامل عمده برهم زنده تعادلات اجتماعی و درآمدی است. چه بسا کسانی که بی‌هیچ کار و کوششی از این طریق صاحب سرمایه‌های افسانه‌ای شده‌اند و چه بسیار انسان‌هایی که به دلیل رفع نیازهای معیشتی خود، قربانی این راه شده‌اند. پدیده قاچاق کالا و یا تجارت زیرزمینی به نقل و انتقال کالا بدون پرداخت عوارض گمرکی و سود بازرگانی گفته می‌شود. این پدیده یکی از دغدغه‌های است که کشورهای در حال توسعه با آن درگیرند (یحیی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۹۶). در کشور ما نیز این امر واقعیتی کتمان‌ناپذیر است که به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آثار نامطلوب و زیان‌باری را بر نظام اقتصادی کشور وارد می‌سازد. در این میان نواحی مرزی به دلیل شرایط جغرافیایی خاصی که دور از مرکز کشور واقع شده همچنین به دلیل شرایط طبیعی، کمبود منابع و ماهیت توسعه‌نیافته اقتصادی، قادر به عرضه ظرفیت‌های کافی برای اشتغال نیستند و در زمره نواحی منزوی به شمار می‌روند. ویژگی‌های اقتصادی، خصوصیات قومی و اجتماعی و بالاخره ضرورت‌های سیاسی این‌گونه نواحی ایجاب می‌کند که نیروی انسانی و اشتغال از ماهیت و ویژگی فوق‌العاده‌ای برخوردار باشد و در سطح سیاست‌گذاری‌های ملی طرح موضوع شود. با این حال نواحی مرز نشین دارای فرصت‌های زیادی برای انجام عملیات زیرزمینی قاچاق می‌باشند. این شیوه عمل از رایج‌ترین و دیرینه‌ترین اشتغالات مرسوم نواحی مرزی بوده و از جمله امتیازات این‌گونه نواحی به شمار می‌رود. اغلب ساکنان نواحی مرز نشین مشارکت در امر قاچاق را نوعی مزیت نسبی و فرصت ژئوپلیتیکی سرزمین خود تلقی می‌کنند و امتیازی برای آن قائلند (اسماعیل‌زاده و سجایی، ۱۳۹۱: ۳). نواحی مرزی از نقاط حساس و راهبردی کشور به شمار می‌آیند. طبیعت منزوی و غیرحاصلخیز نواحی مرزی به‌خصوص در عرصه‌های کوهستانی و بیابانی ایران، پیوسته به دلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه‌های لازم برای زندگی، زمینه‌ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای دولت‌های وقت بوده است. ناتوانایی‌های بالقوه در تولید، فقدان اشتغال، نازل بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه، عمده‌ترین مشخصه اقتصادی - اجتماعی این نواحی است که زمینه را برای قاچاق کالا در این نواحی فراهم می‌آورد. خالی شدن مرزها از سکنه و مهاجرت مرزنشینان به شهرهای بزرگ در اثر فقدان انگیزه‌های لازم برای زندگی در این نواحی در گذشته تقریباً روند رو به افزایشی داشته است که تأثیر آن بر امنیت مرزها به وضوح قابل لمس بود.

نتیجه‌گیری

عوامل متعددی در نواحی مرزی استان کردستان دست به دست هم داده‌اند که حاکمیت رویکرد امنیتی نسبت به این نواحی داشته باشد و این نواحی را تهدیدی برای ثبات و امنیت و اقتدار خود بدانند. چهار تا عامل اصلی در رویکرد امنیتی نسبت به آمایش و توسعه نواحی مرزی استان کردستان مؤثر هستند که شامل عوامل: سیاسی، فرهنگی، راهبردی و اقتصادی هستند. در استان کردستان قوم کرد زندگی می‌کنند که از لحاظ قومی، مذهبی، فرهنگی و زبانی علیرغم برخی تشابهات، دارای یکسری تفاوت‌ها با اکثریت ملت ایران است. ضعف توسعه سیاسی و شکل متمرکز حکمرانی در ایران باعث شده که به این نواحی اهمیتی داده نشود و اقوام و مذاهب اجازه حضور و مشارکت سیاسی نداشته باشند و همواره احساس تبعیض داشته باشند. نواحی مرزی استان کردستان به‌عنوان جزئی از نواحی کردنشین ایران محل فعالیت گروه‌های تروریستی مانند پژاک بوده است که رویکرد امنیتی در آن نواحی را تشدید کرده است. در دهه

اخیر نواحی پیرامونی ایران در مرزهای غربی محل رقابت و کشمکش بین قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است و پدیده تروریسم همواره تهدیدی در نواحی مرزی ایران بوده است که دولتمردان را نسبت به نواحی مرزی حساس کرده است. در عصر جهانی شدن و با توجه به تحولات نواحی کردنشین در عراق و سوریه به برخی از مطالبات خود دست یافته‌اند و توسعه سیاسی و فرهنگی در نواحی کردنشین عراق سطح مطالبات در نواحی کردنشین ایران را بالا برده است. مجموعه این دلایل باعث رویکرد امنیتی نسبت به توسعه و آمایش در نواحی مرزی استان کردستان شده و توسعه در این نواحی را تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به اینکه رویکرد امنیتی همیشه برای کشور هزینه‌بر است، توصیه می‌شود که «درک متقابل امنیت و توسعه» جایگزین رویکرد امنیتی صرف شود و آمایش در نواحی مرزی استان کردستان توسعه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی را به همراه داشته باشد و نواحی مرزی استان کردستان به سمت امنیت پایدار سوق داده شود.

پیشنهادها

- توسعه راه‌های زمینی، هوایی و ریلی استان کردستان با مرکز کشور در راستای توسعه مراودات با بدنه کشور.
- ایجاد اعتماد بین دولت و نخبگان محلی جهت حضور و فعالیت نخبگان بومی در مدیریت امور محلی.
- مدیریت بهتر بازارچه‌های مرزی و جلوگیری از تعلق گرفتن سودهای کلان به عده‌ای محدود.
- انتقال برخی دانشکده‌های دانشگاه کردستان به شهرستان‌های مرزی با توجه به پتانسیل شهرستان‌های مرزی.
- تقویت رادیو و تلویزیون محلی با ایجاد برنامه‌های پرمحتواتر با توجه به فرهنگ بومی ناحیه.
- ایجاد ردیف بودجه بیشتر با توجه به اهمیت نواحی مرزی جهت ایجاد شغل و درآمد.
- توسعه نواحی مرزی استان از طریق بهبود زیرساخت‌های عمرانی با تأکید بر روستاها و شهرهای کوچک.
- ایجاد رابطه دیپلماتیک و دوستانه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با اقلیم کردستان عراق.

منابع

- ۱- احمدی، حسن؛ دادجو، روزبه، (۱۳۹۱)، توسعه پایدار نواحی مرزی؛ راهبرد اساسی حفظ امنیت مرزها، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۲- احمدی‌پور، زهرا؛ مختاری‌هشی، حسین؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ وزین، نرگس، (۱۳۸۶)، بررسی روند شتاب توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی - اداری کشور مطالعه موردی: استان‌های ایران در برنامه‌های اول تا سوم توسعه (۱۳۶۸-۱۳۸۳)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۳، شماره ۱، صص ۲۲-۴۹.
- ۳- اخباری و دیگران، (۱۳۹۴)، تبیین توسعه پایدار سیاسی مطالعه موردی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال یازدهم، شماره ۳.
- ۴- اسماعیل‌زاده، خالد؛ جلیل، سحابی، (۱۳۹۱)، بازارچه‌های مشترک مرزی مکانیسمی برای سالم‌سازی اقتصاد نواحی مرز نشین و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای، دومین همایش ملی راهکارهای توسعه اقتصادی با محوریت برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنجند، ۹ و ۱۰ خرداد ۱۳۹۱.
- ۵- آسایش، حسین، (۱۳۸۹)، اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ دهم.
- ۶- بشیریه، حسین، (۱۳۸۹)، موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران، گام نو.
- ۷- پروری، توحید، (۱۳۹۳)، نقش پدافند غیرعامل در پایداری کالبدی سکونتگاه‌های روستایی نواحی مرزی مطالعه موردی: سکونتگاه‌های روستایی نوار مرزی شهرستان پیرانشهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- ۸- توفیق، فیروز، (۱۳۸۴)، آمایش سرزمین - تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۹- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۰- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ کاویانی‌راد، مراد، (۱۳۸۳)، افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، تهران، سمت.
- ۱۱- عبداللهی، محمد؛ راد، فیروز، (۱۳۸۸)، بررسی روند تحول و موانع ساختاری توسعه سیاسی در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۱.
- ۱۲- عزتی، نصرالله؛ حیدری‌پور، اسفندیار؛ اقبالی، ناصر، (۱۳۹۰)، نقش و جایگاه آمایش نواحی مرزی در نظام برنامه‌ریزی (مطالعه موردی: نواحی مرزی ایران)، فصلنامه علمی - پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره ۴.
- ۱۳- عندلیب، علیرضا، (۱۳۸۰)، نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ.
- ۱۴- عندلیب، علیرضا؛ مطوف، شریف، (۱۳۸۸)، توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، باغ نظر، سال ششم، شماره ۱۲.
- ۱۵- قربانی‌نژاد ریواز (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی الگوی خودگردانی کردستان عراق با الگوهای خودمختاری و فدرالیسم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی محمدرضا حافظ‌نیا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- ۱۶- محمدزاده تینکانلو، حمیده، (۱۳۸۱)، تبیین نقش شهرهای متوسط در توسعه فضایی منطقه‌ای مورد پژوهی: شهر بجنورد، رساله دکتری شهرسازی به راهنمایی اسفندیار زبردست، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، گروه شهرسازی.

- ۱۷- مختاری‌هشی، حسین، (۱۳۸۵)، تحلیل نقش تصمیم‌گیری‌های حکومتی در توسعه‌یافتگی سرزمین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی به راهنمایی زهرا احمدی‌پور، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- ۱۸- میرحیدر، درّه، (۱۳۸۲)، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران، سمت.
- ۱۹- میرشکاران، یحیی، (۱۳۹۲)، الگویابی سازمان‌دهی سیاسی فضا در ساختارهای بسیط با تأکید بر ایران، رساله دکتری به راهنمایی زهرا احمدی‌پور، تهران: دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده علوم انسانی.
- ۲۰- یحیی‌پور، محمدصادق، (۱۳۹۳)، تحلیل ژئوپلیتیکی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آمایش مناطق مرزی ایران و اقلیم کردستان عراق، رساله دکتری به راهنمایی رسول افضل، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا، گروه جغرافیای سیاسی.
- ۲۱- پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ رحمانی، محمدعلی، (۱۳۹۰)، قلمروخواهی ایران و آمریکا در خاورمیانه، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۲۲- علی‌نقی، امیرحسین، (۱۳۸۳)، سناریوهای محتمل در مورد آینده عراق و استراتژی ج.ا. ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۳- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۹)، سیاست‌های مرزی و مرزهای بین‌المللی ایران، ترجمه: حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران، انتشارات سمت.
- ۲۴- نامی، محمدحسن؛ حیدری‌پور، اسفندیار، (۱۳۹۱)، الگوی جدید برای محاسبه دقیق مساحت و طول مرزهای کشور ج.ا. ایران، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، دوره ۲، شماره ۲.
- 25- Hansen, Niles H. (1978), *Border Regions: A Critique of Spatial Theory and European Case Study*; (ed.), Germany-France-Sweden Land.
- 26- Jones, P. N & Wild, T. (1994), *Opening the Frontier: Recent Spatial Impacts in the Former Inner-German Border Zone*; *Regional Studies*. Vol, 28.3, PP 259-273
- 27- www.amar.org.ir.
- 28- Buchanan, R. (1998), *Border Regions, NAFTA, Realatory Restructuring, and the Politics of Place*; In *Global Legal Studies Journal*; II.2, Buchanan.
- 29- www.ostan-kd.ir